

بر تابوتم عکس امام را بنزید

پس از شهادت بر تابوتم عکس امام را بنزید و در کنار عکس امام، عکس کوچک مرا بنزید تا آنهایی که مخالف اسلام و امام‌اند بدانند که من شیعه و پیرو امام و خط امام بودم.



پس از شهادت بر تابوتم عکس امام را بنزید و در کنار عکس امام، عکس کوچک مرا بنزید تا آنهایی که مخالف اسلام و امام‌اند بدانند که من شیعه و پیرو امام و خط امام بودم.

به گزارش گروه «حماسه و مقاومت«؛ خبرگزاری فارس، سرتیپ دوم پاسدار شهید «علیرضا خلوص دهقانپور« در سال 1338 در روستای ازگم شهرستان صومعه سرا از یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. وی ضمن تحصیل جهت کمک به خانواده در امر کشاورزی زحمات طاقت فرسایی را متحمل می شد تا باری از دوش خانواده بردارد.

علیرضا از همان دوران نوجوانی پر جنب و جوش و چابک و نیرومند و در عین حال بسیار مودب و مقید به مبانی حیات بخش اسلام بود. این جوان دلاور اسلام، در دوران حیات پر بارش هر گاه در گوشه و کنار کشور احساس نیاز به حضورش می کرد، بدون درنگ در آنجا حاضر و با ایثار جان نقش آفرینی می کرد. ایشان در دوران مبارزه مردم مسلمان ایران، با حکام زور و ستم نقش بسزایی داشت. و در زمان تحركات سر سپردگان شرق و غرب علی الخصوص گروهک منافقین با حضور شجاعانه خود عرصه را بر آنان تنگ کرد و خاری در چشم دشمنان قسم خورده این آب و خاک بود.

با آغاز جنگ تحمیلی دشمنان بعثی، پس از فراگیری آموزش های رزمی و تاکتیکی لازم، راهی جبهه های نبرد حق علیه باطل شد. شجاعت و دلاورهای وی در حملات نظر فرماندهان مافوق را به خود جلب کرد و به عنوان فرمانده گردان میثم برگزیده شد وی در عملیات کربلای 2 که (1360) شصت ساعت در معاصره دشمن قرار گرفته بودند، توانست با تهور و دلاوری و تدبیر خاصی کلیه نیروهای تحت امرش را از محاصر دشمن بعثی در آورد.

او در عملیات رمضان به شدت مجروح گردید و علی رغم میل باطنی اش برای مداوا در بیمارستان بستری شد، ولی روز بعد با لباس بیمارستان و بدون رضایت پزشکان و دور از چشم کادر درمان آنجا را ترک نمود و به سوی میعادگاه عاشقان (جبهه) شتافت. وی همانطور که در رزم با دشمن متخاصم و سرسپرده گان شرق و غرب همواره در نبرد و مبارزه بود، در تقویت ابعاد معنوی و وجودی خویش نیز با تلاوت روح بخش قرآن مجید، اقامه نماز اول وقت، برپایی نماز شب، دوستی و عشق ورزیدن به ائمه اطهار علیه السلام همتی وافر داشت. شهید خلوص انسان خالص، وارسته و رئوفی که کمتر حرف می زد و بیشتر عمل می نمود، جوان پاکي که همواره دائم الوضو بود و در بین جوانان و نوجوانان و حتی کودکان از محبوبیت و احترام ویژه ای برخوردار بود و از مصادیق ((اشداء علی الکفار و رحماء بینهم)) بود که دوستان از دیدارش خشنود و شادمان و کفار از دیدنش ناخشنود و مایوس می شدند. وی در سال 61 به سنت دیرپای محمدی (ص) با خانواده ای مذهبی وصلت نمود که ثمره این پیوند مقدس دو فرزند یکی پسر و دیگری دختر

(آقا اسماعیل و زینب خانم) می باشند که از زندگی مشترک ایشان به یادگار ماند.

سرانجام این سردار غیور میهن اسلامی پس از سال ها مجاهدت و مبارزه در راه حق و نبرد در میادین رزم در تاریخ 67/3/25 در ارتفاعات غرب کشور در منطقه ماهوت قله قامیش به شهادت رسید و مفقودالجسد گردید. و اینک سالها از هجرت و شهادت مظلومانه علیرضا خلوص می گذرد و ما مانديم و خاطره جانسوز آن سلحشور آن راد مرد و حماسه آفرین جبهه های نبرد، آن پاسدار عاشق و سرافراز و آن فرمانده رشید اسلام.

*گزیده ای از وصیت نامه این شهید:

ای اسلامیان! برخوردید و به رهبری این امام کبیر پرچم اسلام را در سرتاسر جهان برپا کنید؛ «ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیلہ صفا کآثم بنیان مرصوص«. ما همه پاسدار اسلامیم. رفتار و حرکات ما باید چنان اسلامی و الهی باشد که بر دشمنان قسم خورده اسلام هم اثر بگذارد و آنها را از چنگال استکبار نجات دهد تا شاید خداوند از این عمل حقیر ما که خدمتی به اسلام است ما را بیامرزد. اکنون که این وصیت نامه خود را می نویسم عملیات شروع نشده است. در پایگاه هستیم و من مصمم به نوشتن آخرین وصیت نامه خود شدم و در چادر نشسته ام و با نوشتن این وصیت نامه شاید خدای بزرگ بر من حقیر و بی ارزش متت بگذارد و آرزویی که دارم برآورده سازد و بتوانم شهادت را در آغوش بگیرم.

همسر! تو خوب می دانی که من هدفی جز اسلام و حاکمیت قرآن در سراسر گیتی ندارم. فقط آرزویم این است که روزی تمامی مستضعفان از یوغ ظلم ظالمان و مستکبران رهایی یابند. تو خوب می دانی که من فقط جهت رضای خدای بزرگ فعالیت می کردم. همسر عزیزم! اگر چه من برای تو آن ایامی که آنجا بودم همسر با وفا و قابلی که تو بودی نبودم، اگر چه که چیزهایی که لازمه یک زندگی ساده و بی آلایش بود، آن را هم باز برایت فراهم نکردم، ولی مطمئن باش که در آن دنیا سعادت تو را از خداوند بزرگ آرزو

می‌کنم. من تو را در ماندن و استمرار دادن در این خط سفارش می‌کنم و این پیام را به جوانان آنجا برسانید و به گوش جوانان دنیا برسانید که نکند ای جوانان در رختخواب ذلت بمیرید که امام شما حسین(ع) در میدان رزم به شهادت رسید. مبدا در خواب جهالت و نادانی بمیرید که امام ششم ما حضرت صادق(ع) رئیس مذهب و دانش بود. مبدا در امر عبادت کوتاهی کنید که مولایمان علی(ع) در محراب عبادت به شهادت رسید. در ضمن، پس از شهادتم بر تابوتم عکس امام را بزنید و در کنار عکس امام، عکس کوچک مرا بزنید تا آنهایی که مخالف اسلام و اماماند بدانند که من شیعه و پیرو امام و خط امام بودم. در تشییع جنازه‌ام فقط امت حزب‌الله باشند تا ضد انقلاب‌ها بدانند که من فرزند امت حزب‌الله بوده‌ام.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته

پیکارگر راه حق، مخلص راهش، علی‌رضا خلوص دهقان‌پور 65/2/6.